



Vol. 12 | Issue. 44 | 2025 |

<https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir>

<https://doi.org/10.22034/jpti.2025.524502.1429>

The Political and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran: The Conflict between Antagonism and Agonism

Mansour Ansari 

Assistant Professor of Political Thought in Islam at Imam Khomini and Islamic Revolution Research Institute.

m.ansari51@gmail.com

Mahdi Pirzadi

Ph.D.student in Political Student of the Islamic Revolution at Imam Khomini and Islamic Revolution Research Institute. (Corresponding Author)

m.pirzadi57@gmail.com

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article Received: 2025 /05 /17 Revised: 2025 /06 /24 Accepted: 2025 /06 /28 Published Online: 2025 /07 /22	The Islamic Revolution in Iran, based on the values and fundamental concepts of the revolution, shaped a specific type of political entity, resulting in new meanings of enemy and friend at the levels of thought, identity and action, and in all areas, including foreign policy. However, the governments that took over executive affairs in the country after the revolution, with diverse perspectives, began to modify the nature of the political entity, shifting the balance in the nature of the political entity towards antagonism or agonism. The results of these issues, by shaping the cognitive aspect of the general public, once again led to the formation of priorities and goals in foreign policy as a constantly active cycle. This research, using Chantal Mouffe's analytical model to examine the nature of the political entity, seeks to explain the effects of the nature of the political entity of postrevolution governments on the field of foreign policy, which are presented based on interpretive models such as holistic constructivism as identity-forming elements in foreign policy. Accordingly, the change in the nature of the political entity after the revolution has led to a change in the perception of the foreign policy environment, a change in demands in foreign policy, and a change in foreign policy trends. The results show the overall growth of antagonism in the nature of the political entity after the revolution, which has resulted in changes commensurate with antagonism in the foreign policy environment, demands, and foreign policy trend. Keywords: Islamic revolution, The political, The nature of the political: political Antagonism, Political Agonism.



دوره ۱۲ | شماره ۴۴ | تابستان ۱۴۰۴

<https://doi.org/10.22034/jpti.2025.524502.1429>

<https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir>

امر سیاسی و سیاست خارجی دولت‌های جمهوری اسلامی ایران: منازعه میان آنتاگونیسم و آگونیسم

منصور انصاری

استادیار اندیشه سیاسی در اسلام، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

m.ansari51@gmail.com

مهدی پیرزادی

دانشجوی دکترای مطالعات سیاسی انقلاب، پژوهشکده امام خمینی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

m.perzadi57@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

انقلاب اسلامی در ایران مبتنی بر ارزش‌ها و مفاهیم اساسی انقلاب، نوع خاصی از ماهیت امر سیاسی را شکل داد که در پی آن معانی نوینی از دشمن و دوست در سطوح اندیشه، هویت و کنش و در تمامی حوزه‌ها از جمله سیاست خارجی به وجود آمد؛ با این حال، دولت‌هایی که پس از انقلاب متصدی امور اجرایی در کشور بودند با نگاه‌های متنوعی دست به جرح و تعدیل ماهیت امر سیاسی زدند و کفه ترازو در ماهیت امر سیاسی را به سمت آنتاگونیسم یا آگونیسم سوق دادند، نتایج این موضوعات با شکل دادن به وجه شناختی عموم جامعه، دوباره منجر به شکل دادن اولویت‌ها و اهداف در سیاست خارجی به عنوان چرخه‌ای همواره فعال، گردید. این پژوهش با استفاده از مدل تحلیلی شانتال موف در خصوص بررسی ماهیت امر سیاسی، در پی تبیین تأثیرات ماهیت امر سیاسی دولت‌های پس از انقلاب بر حوزه سیاست خارجی است که بر اساس مدل‌های تفسیری مانند سازه‌نگاری کل‌گرا به عنوان عناصر هویت‌بخش در سیاست خارجی مطرح می‌شوند؛ بر این اساس، تغییر در ماهیت امر سیاسی پس از انقلاب منجر به تغییر در شناخت از محیط سیاست خارجی، تغییر در خواسته‌ها در سیاست خارجی و تغییر در روندهای سیاست خارجی شده است، نتایج نمایش‌دهنده رشد کلی آنتاگونیسم ماهیت امر سیاسی پس از انقلاب بوده است که در نتیجه آن تغییرات متناسب با آنتاگونیسم در محیط سیاست خارجی، خواسته‌ها و روندهای سیاست خارجی به وجود آمده است.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، امر سیاسی، ماهیت امر سیاسی، آنتاگونیسم سیاسی، آگونیسم سیاسی.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۲/۲۷

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۴/۰۴/۰۳

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۴/۰۷

انتشار آنلاین:

۱۴۰۴/۰۴/۳۱

صفحات:

۱-۳۰

مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی در دوره جنگ سرد نه تنها یکی از مهم‌ترین کشورهای خاورمیانه را دستخوش دگردیسی‌های اساسی قرار داد، بلکه همچنانکه برخی از محققان ادعا کرده‌اند تأثیراتی عمیقی در سه سطح تاکتیک، راهبرد و اندیشه بر ساختار روابط بین‌الملل و سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ آن دوره داشت (مشیرزاده، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۴)؛ در سطح تاکتیک برای مثال بازارهای جهانی انرژی را تحت تأثیر قرار داد، در سطح راهبرد نیز ایده منطقه‌گرایی و حل مسائل منطقه از سوی خود این کشورها و اتحاد ملت‌ها و دولت‌های اسلامی را پیش کشید و در سطح اندیشه نیز مدعی ورود معنویت‌گرایی با عناصر قوی عدالت و پایه‌گذاری حکومت صالحان را مطرح کرد. همه این مدعیات حکومت تازه تأسیس برآمده از انقلاب را با چالش‌های اساسی مواجه کرد. چالش نظم بین‌المللی مبتنی بر دو اردوگاه شرق و غرب از سوی هیچ‌کدام از این دو قطب تحمل نمی‌شد و نظام جمهوری اسلامی با شعار نه شرقی و نه غربی در نظر و عمل سازناکوک خود را کوک می‌کرد. جمهوری اسلامی مدعی تعریف تازه‌ای از دو قطب مستکبر و مستضعف بود و تلاش می‌کرد تا با استفاده از نیروی پرشور انقلابی خود رهبری قطب مستضعف را بر عهده بگیرد. آنتاگونیسم سیاسی مبنای رابطه نظام جدید با دنیای دوقطبی شد.

در این مقاله با استفاده از مدل نظری شانتال موف در تلاش هستیم تا سیر و تحول این آنتاگونیسم سیاسی را در دهه‌های بعد از انقلاب بررسی کنیم و به چند سؤال مهم و البته درهم‌تنیده پاسخ بدهیم: در دولت‌های بعد از انقلاب کدام نوع از امر سیاسی حاکم بوده است؟ آنتاگونیسم یا آگونیسم؟ این تحولات احتمالی چه تصویری از سیاست خارجی ایجاد نمود، چه اهداف و مقاصدی را در سیاست خارجی معین می‌کرد و چه روش‌ها و روندهایی را توصیه نموده است؟ گذشته ماهیت امر سیاسی و تأثیر آن بر سیاست خارجی کشور چه راهی را برای آینده سیاست خارجی پیش روی ما قرار می‌دهد؟ اهداف این پژوهش، شناسایی دقیق چرخش‌های سیاسی در سیاست خارجی دولت‌های پس از انقلاب و بررسی زمینه‌های بروز آنهاست.

۱. پیشینه پژوهش

تاریخچه علمی پژوهش‌های موجود در حیطه پژوهش پیش رو را می‌توان در سه عنوان جستجو نمود:

- پژوهش‌هایی که در زمینه سیاست خارجی پس از انقلاب به شکلی توصیفی یا تبیینی انجام شده است.

- پژوهش‌های تبیینی تلاش کرده‌اند متغیرهای مفهومی و فرامادی را به‌عنوان عوامل مؤثر بر سیاست خارجی این دوره مورد بررسی قرار دهند.

- پژوهش‌هایی نیز وجود دارند که ماهیت امر سیاسی در کشور را به‌عنوان عاملی مؤثر در شکل‌دهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی پس از انقلاب مورد توجه قرار داده‌اند. در مورد نخست، ادبیات انبوهی پیرامون ماهیت، چگونگی تصمیم‌گیری، عوامل مؤثر و... در سیاست خارجی پس از انقلاب تولید شده است تا جایی که کتابنامه مبسوطی با نام سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی منتشر گردید که آثار پژوهشی در حوزه‌های مختلف سیاسی خارجی پس از انقلاب را مورد بررسی قرار داده؛ باین‌حال، موضوع رابطه ماهیت امر سیاسی و رابطه آن در این آثار جایی نداشته است.

بررسی سیاست خارجی از منظر وجوه معنایی که آن را پدیده‌ای دارای ابعاد فرامادی و فراعینی تلقی می‌کند، یکی از رویکردهای مورد توجه در مطالعات این حوزه بوده است. در همین راستا، تحلیل عوامل فرامادی تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های پس از انقلاب نیز جایگاه ویژه‌ای در پژوهش‌های علمی یافته است، این موضوع با فراگیر شدن نظریه‌های معناگرا در سیاست خارجی چون نگرش‌های هنجاری و سازه‌انگارانه رشد داشته است، کتاب‌هایی چون معنا و سیاست خارجی در ایران و خاورمیانه و چهارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مقالاتی چون «منابع اجتماعی سیاست خارجی جمهوری اسلامی» (۱۳۹۷)، «هویت، قدرت و امنیت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۹۷) طیف گسترده‌ای از این طیف آثار قابل دسترسی است؛ اما در هیچ‌کدام از آثار یاد شده ماهیت امر سیاسی مورد بررسی قرار نگرفته است.

بر اساس آنچه پیرامون پیشینه پژوهش بیان شد، بررسی ماهیت امر سیاسی و تأثیر آن در سیاست خارجی دارای مورد مشابهی نبوده است.

۲. مبانی نظری و روش تحقیق

۱-۲. امر سیاسی و عناصر تشکیل دهنده آن

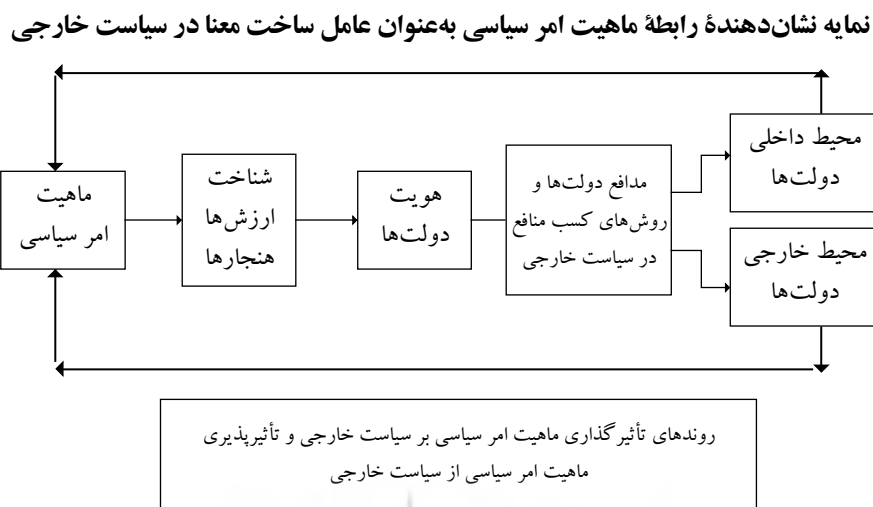
در کنار نگرش‌های معطوف به لیبرال دموکراسی که پس از جنگ جهانی دوم دیدگاه غالب تئوریک و کارکردی را در علوم سیاسی و سیاست عینی در اختیار داشت، با ورود به دهه هفتاد میلادی و برخی خرده‌گیری‌ها به لیبرالیسم، نظریاتی شکل گرفت که تلاش در ترمیم نظری و عملی لیبرالیسم و لیبرال دموکراسی داشت، این دیدگاه‌ها نه تنها کشمکش موجود در سیاست را به نفع سایر حوزه‌های حیات اجتماعی انسان کم‌رنگ نمی‌ساخت، بلکه این کشمکش را تا نمادین‌ترین اجزای زندگی شخصی و اجتماعی افراد جستجو می‌نمود، نگاهی که برای اولین بار در آرای کارل اشمیت به گونه‌ای عریان و صریح نمود یافت، اشمیت حیات امر سیاسی را در گرو وجود غیریت و آنتاگونیسم در فضای عمومی می‌دانست (اشمیت، ۱۳۹۲) پس از او به واسطه افول رفتارگرایی و پوزیتیویسم در علوم انسانی و باز تعریف بسیاری از مفاهیم موجود در علوم انسانی مفهوم امر سیاسی مورد توجه دوچندانی قرار گرفت؛ در این راستا، با تلاش‌های لاکان نگرش نوین و متلاطم اشمیت به سیاست در قالب مفهوم امر سیاسی دارای پشتوانه فلسفی - روانشناسی قابل تأملی گردید، چنانچه در نگاه او امر سیاسی لایه هستی شناختی امر اجتماعی دیده می‌شد (استاوراکاکیس، ۱۳۹۳، ص. ۷۶). در ادامه، شانتال موف متأثر از فضای دهه‌های پایانی قرن بیستم و تبدیل شدن سنت دموکراتیک در کنش سیاسی به سنت غالب، ضمن پذیرش الزام حضور آنتاگونیسم در قلب امر سیاسی سویه دیگر امر سیاسی را که ماهیتی توازن‌بخش داشت را با آنتاگونیسم همراه سازد (موف، ۱۳۹۱، ص. ۲۴)، «آگونیسم» یا تبدیل خصومت به رقابت در امر سیاسی که نقشی توازن‌بخش را در این نظریه داشت و علاوه بر آن، نگاه تحلیلی حاوی امر سیاسی را با سازواره پذیرفته شده مردم‌سالاری همراه ساخت، همان چیزی که در بستر جهان پس از جنگ بیشتر قابل پذیرش بود (فرهادپور، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۲).

این پژوهش با اتکا به مدل تحلیلی شانتال موف، به تحلیل فضای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب می‌پردازد؛ از این رو، تغییرات ایجاد شده در میزان آنتاگونیسم یا آگونیسم ایجاد شد^۱ در فرایند انقلاب اسلامی و دولت‌های پس از انقلاب مورد توجه قرار گرفته و عینی‌سازی می‌شود؛ چراکه مبتنی بر مدل نظری یاد شده افزایش آنتاگونیسم سیاسی موجبات طرد و افزایش دایره «دیگری» در سیاست خارجی و افزایش آگونیسم موجبات امکان جذب و افزایش دایره «خودی» در سیاست خارجی خواهد بود. برای سنجش تغییر ماهیت در امر سیاسی از آنجا که مجموع آنتاگونیسم و آگونیسم از حیث ریاضی دارای میزان کمی ثابتی هستند و به تعبیری افزایش یکی با کاهش دیگری به همان میزان همراه است می‌توان با نمودار ساختن یکی از این دو متغیر دیگری را نیز مشخص و متبلور نمود.

۲-۲. امر سیاسی و مؤلفه‌های سیاست خارجی

نظریه‌ها و تحلیل‌های متعددی در تبیین چرایی شکل‌گیری انواع سیاست خارجی ارائه شده‌اند. برخی از این نگرش‌ها، مانند واقع‌گرایی ساختاری، نقش کشورها را صرفاً در قالب ایفای نقش در ساختار نظام بین‌الملل تعریف می‌کنند. در مقابل، نظریه‌هایی نیز وجود دارند که تأثیر متقابل ساختارهای بین‌المللی و تصمیم‌گیری‌های داخلی کشورها را به‌طور توأمان در شکل‌گیری سیاست خارجی مؤثر می‌دانند. همچنین دیدگاه‌هایی مطرح شده‌اند که عامل اصلی در سیاست خارجی را ساختار و روند تصمیم‌گیری در داخل کشور و ویژگی‌های شخصی و روان‌شناختی تصمیم‌گیران تلقی می‌کنند (هادیان، ۱۳۸۲). در این میان، نگرش‌های ساختار-بازیگر گرا، سیاست خارجی را فرایندی مبتنی بر ساختارها می‌دانند که نقش کشورها در آن چگونگی تفسیر ساختارهاست (کوبلاکوا، ۱۳۹۵، ص. ۴۶). این نوع از نگرش‌ها به دنبال سرچشمه‌های معنایی است که در آن‌ها اندیشیدن به جهان پیرامون، منجر به ساخت ذهنی جهان و کنش در جهان بر ساخته می‌شود.

۱. از این جهت که رشد در آنتاگونیسم سیاسی افول در آگونیسم سیاسی را به همراه دارد در این پژوهش میزان تغییرات در یک متغیر مورد استفاده قرار گرفته است.



۳-۲. سنجه‌ها و روند سنجش آنتاگونیسم-اگونیسم:

برای عینی‌سازی مفاهیم کیفی و تبدیل آن‌ها به شاخص‌های قابل سنجش در این پژوهش، تلاش خواهد شد سه نشانه کمی «شدت»، «فراگیری» و «تداوم»^۱ آنتاگونیسم در ارتباط با تغییرات در ماهیت امر سیاسی مورد بررسی قرار گیرد. میزان تأثیر کمی یک اتفاق در سیاست خارجی در پایین‌ترین حالت عدد ۰ و در بالاترین حالت عدد ۱ در نظر گرفته می‌شود. از این رو، در این پژوهش برای سنجش آنتاگونیسم در ماهیت امر سیاسی، سه شاخص کمی «شدت»، «فراگیری» و «تداوم» تعریف شده‌اند که هر یک عددی بین ۰ تا ۰/۳۳ را به خود اختصاص می‌دهند. منظور از شدت، میزان تکانه یا التهاب سیاسی‌ای است که یک رویداد در عناصر مؤثر بر روندهای سیاست خارجی کشور ایجاد می‌کند. برای نمایش شدت، عدد ۰/۳۳ نشان‌دهنده بیشترین سطح آنتاگونیسم، ۰/۲۲ سطح متوسط و ۰/۱۱ سطح ضعیف تلقی می‌شود. به عنوان مثال، جنگ تحمیلی با عدد ۰/۳۳ نماد آنتاگونیسم شدید، ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت با عدد ۰/۲۲ آنتاگونیسم متوسط و ممانعت از ارسال برخی

۱. تداوم نمایش‌دهنده میزان پایداری زمانی یک وجه از ماهیت امر سیاسی در بازه فعالیت دولت‌هاست، فراگیری نمایش‌دهنده میزان گروه‌هایی است که یک دولت با آن‌ها رابطه تضاد یا رقابت سیاسی داشته است و شدت بیانگر میزان قوت و تأثیرگذاری ماهیت امر سیاسی یاد شده است.

فناوری‌ها به ایران با عدد ۰/۱۱ آنتاگونیسم ضعیف تلقی می‌شوند. شاخص فراگیری به گستره اجتماعی-سیاسی تأثیرپذیر از آنتاگونیسم اشاره دارد. به گونه‌ای که التهاب محدود به قوه مجریه عدد ۰/۱۱ در سطح کل حاکمیت ۰/۲۲ و در سطح حاکمیت به علاوه جامعه (مردم) عدد ۰/۳۳ را نشان می‌دهد. نهایتاً، شاخص تداوم نمایانگر میزان ماندگاری التهاب یا وضعیت آنتاگونیستی است؛ به گونه‌ای که هرچه ماندگاری بیشتر باشد، عدد اختصاص داده شده به آن به ۰/۳۳، به عنوان بالاترین سطح تداوم، نزدیک‌تر خواهد بود.

علاوه بر موارد یاد شده نکاتی پیرامون بیان نموداری ماهیت امر سیاسی در ایران پس از انقلاب وجود دارد: انقلاب اسلامی با خود میزانی از تقابل قدرت‌های بزرگ را به همراه داشت که در این پژوهش به عنوان پیش فرض آنتاگونیسم در خط مبدأ بالاتر از صفر در نمودارها خود را آشکار ساخته است، برای پاسخ منظم‌تر و شفاف‌تر دوره‌های پس از انقلاب اسلامی به دوره‌های: الف) آغاز انقلاب اسلامی تا پایان دولت موقت و تسخیر سفارت آمریکا در ایران؛ ب) دوره پس از تسخیر سفارت آمریکا تا پایان دوره ریاست جمهوری بنی صدر؛ ج) دوره پس از بنی صدر تا پایان جنگ؛ د) دوره فعالیت دولت هاشمی رفسنجانی معروف به دوره سازندگی؛ ه) دوره قدرت‌یابی جریان اصلاحات و فعالیت دولت محمد خاتمی؛ و) دوره قدرت‌یابی دولت احمدی‌نژاد؛ ز) دوره فعالیت دولت تدبیر و امید به ریاست حسن روحانی تقسیم‌بندی می‌شود.

۳. امر سیاسی در دوره دولت موقت با عاملیت دولت بازرگان

مرحله‌ای از تاریخ روابط خارجی ایران که از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ تا تسخیر سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ ادامه یافت، حالتی برزخی و گذارگونه را میان جمهوری اسلامی نوپا و جامعه جهانی رقم زد. در این دوره، دولت موقت به بازرگان تلاش داشت تا در میانه دو نیروی بالقوه متقابل، نقش حائل و تلطیف‌کننده را ایفا کند: از یک‌سو، نیروهای مکتبی و انقلابی حاضر در صحنه که بعدها با عنوان‌هایی چون «نیروهای خط امام» یا «تندروهای انقلاب» شناخته شدند و از سوی دیگر، جامعه جهانی به‌ویژه قدرت‌های بزرگی چون ایالات متحده آمریکا، اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای عضو اتحادیه اروپا. در این راستا، وزرای امور خارجه دولت موقت، کریم سنجابی و ابراهیم یزدی، با پیگیری سیاستی محتاطانه

تلاش کردند از طریق: احیای برخی قراردادهای پیشین با دولت‌های بزرگ؛ دیدار با بازیگران مؤثر در سیاست خارجی این کشورها؛ و پرهیز از کنش‌های حساسیت‌برانگیز در سیاست داخلی؛ از شکل‌گیری شکاف یا چالش جدی میان دو جبهه فوق‌جلوگیری کنند و ارتباط جمهوری اسلامی با نظام بین‌الملل را به گونه‌ای نرم و تدریجی سامان دهند (رضا دوست و پیوسته، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۵)؛ با این حال، در نهایت چالشی عمیق و فراگیر در این حوزه به وقوع پیوست که نه تنها انگاره‌ها و حیات دولت موقت در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل را با چالشی جدی مواجه ساخت بلکه به استعفای دولت موقت انجامید و مسیر سیاست خارجی ما را به سوی جدیدی رهنمون نمود (مجیدی و شفیعی، ۱۳۹۲، ص. ۱۵۲).

روند یاد شده با ایجاد سطح نوینی از آنتاگونیسم در ماهیت امر سیاسی کشور، شخصیت و هویت جمهوری در سیاست خارجی را بیش از پیش به سمت جنبه‌های اعتقادی و هنجاری کشاند و از اولویت نسبی کسب منافع عینی در سیاست خارجی منجر به جایگاه و رتبه‌ای پایین‌تر نسبت به مسائل یاد شده گردید.

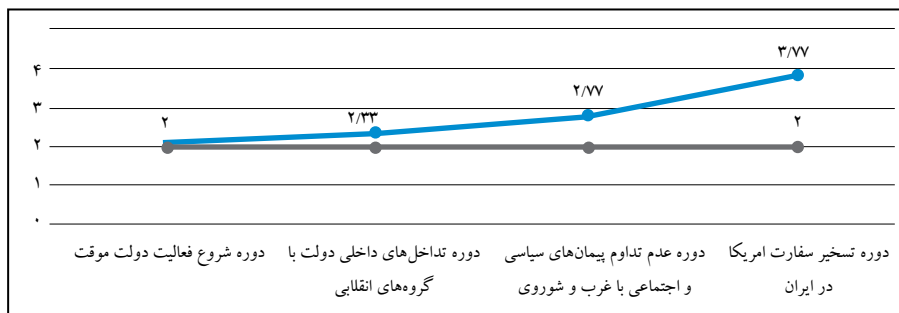
جدول کمی ایجاد آنتاگونیسم در موضوعات شاخص مؤثر در سیاست خارجی در دوره دولت موقت

دوره‌ها	شدت	فراگیری	تداوم	مجموع امتیاز
دوره تداخل‌های داخلی دولت با گروه‌های انقلابی در قرائت‌ها از اولویت‌ها در سیاست خارجی	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۳۳
دوره عدم تداوم پیمان‌های سیاسی و اجتماعی با غرب و شوروی	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۲۲	۰/۴۴
دوره تسخیر سفارت آمریکا در ایران	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۳۳	۱

امتیاز کلی در ایجاد آنتاگونیسم مؤثر در سیاست خارجی ۱/۷۷

۱. تلاش دولت موقت برای احیای قرارداد تجارت ترجیحی میان ایران و اتحادیه اروپا و ملاقات با برژنسکی مشاور امنیت ملی کارتر از جمله این اقدامات بود.

نمودار نمایش ماهیت امر سیاسی در حوزه‌های سیاست خارجی در دوره دولت موقت



۴. امر سیاسی در دوره دولت موقت بازرگان و ریاست جمهوری بنی‌صدر

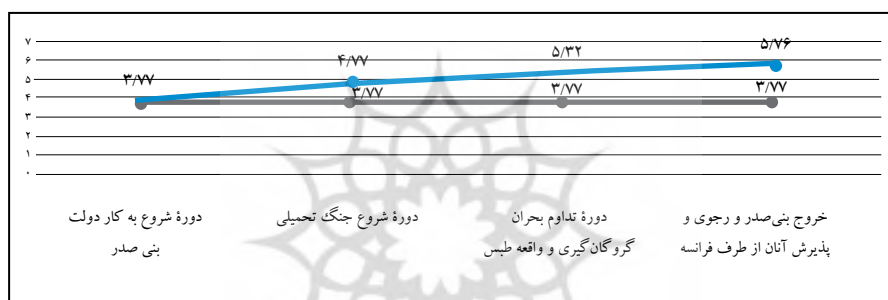
دوران ریاست جمهوری بنی‌صدر با چند رویداد بین‌المللی شاخص همراه بود که به آن ویژگی‌هایی خاص بخشید. از مهم‌ترین این وقایع می‌توان به ادامه تنش‌ها و مذاکرات میان ایران و ایالات متحده بر سر گروگان‌های آمریکایی اشاره کرد؛ روندی که در نهایت با ناکامی آمریکا در پیشبرد دیپلماسی و عملیات ناموفق طبس به اوج خود رسید. هم‌زمان کودتای نافرجام نوژه با حمایت و هماهنگی برخی بازیگران خارجی و منطقه‌ای شکل گرفت و در نهایت، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران آغاز شد که به‌طور کامل سیاست داخلی و خارجی ایران را تحت الشعاع قرار داد. در ماجرای گروگان‌گیری، بنی‌صدر پیش از واقعه طبس تمام تلاش خود را معطوف به حل و فصل سریع و دیپلماتیک مسئله و آزادی گروگان‌ها کرده بود. در نگاهی کلان‌تر، وی معتقد بود که حل این بحران می‌تواند به تقویت موضع جیمی کارتر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، در انتخابات کمک کند و به همین دلیل، بر حل دیپلماتیک مسئله به نفع کارتر تأکید داشت (ابتکار، ۱۳۹۲، ج ۲، ص. ۱۷۴). با این حال، عملیات نظامی ناکام آمریکا برای آزادسازی گروگان‌ها که در نهایت به حادثه طبس انجامید، به یکی از مهم‌ترین نقاط عطف در تشدید تنش میان ایران و آمریکا تبدیل شد و به تضعیف موقعیت جیمی کارتر در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نیز انجامید. دولت بنی‌صدر در واکنش به این حادثه، کوشید تا دامنه تأثیرات آن را کنترل کرده و از گسترش پیامدهای سیاسی و اجتماعی آن در فضای داخلی کشور جلوگیری کند (غضنفری، ۱۳۹۴، ص. ۳۴).

یکی دیگر از اتفاقات مهم این دوره که می‌توانست بر روابط بین‌المللی ایران، به‌ویژه در سطح منطقه‌ای، تأثیرگذار باشد، کودتای نافرجام نوژه بود. این کودتا که عمدتاً از سوی جمعی از افسران ارشد نیروی هوایی - به‌ویژه نیروهای مستقر در پایگاه شهید نوژه - طراحی شده بود، با هدف براندازی نظام سیاسی نوپای جمهوری اسلامی و با حمایت کلی ایالات متحده و زمینه‌سازی‌های حزب بعث عراق در حال اجرا بود. با افشای این کودتا، دولت بنی‌صدر باوجود شواهدی دال بر نقش برخی قدرت‌های بین‌المللی و کشورهای منطقه‌ای، کوشید تا آن را صرفاً به‌عنوان اقدامی ناشی از نارضایتی داخلی در میان افسران نیروی هوایی معرفی کند. علاوه بر این، بنی‌صدر سعی داشت ابهامات موجود در گزارش‌های محرمانه پیرامون دخالت نیروهای خارجی را مسکوت نگه دارد و از رسانه‌ای شدن ابعاد بین‌المللی ماجرا جلوگیری کند (غضنفری، ۱۳۹۴، ص. ۲۲).

مهم‌ترین چالش سیاست خارجی این دوران که تا سال‌های متمادی موضوع و مورد اصلی در سیاست خارجی کشور باقی ماند، تجاوز عراق به ایران و تلاش صدام برای الحاق بخش‌هایی از خاک کشور به عراق بود، در این زمینه نیز رویکردهای مبهم و بعضاً سؤال برانگیز بنی‌صدر نمایش‌دهنده طیفی از عدم آشنایی با مسائل راهبردی در جریان جنگ تا خیانت در جریان جنگ است، او که در ابتدای جنگ تهاجم عراق به ایران را نتیجه طبیعی عکس‌العمل عراق به تندروی عناصر داخلی برای صدور انقلاب می‌دانست، در تمام دوره ریاست جمهوری خود در موضوعات مربوط به مدیریت جنگ با تعلل، تبدیل موضوع جنگ به یک مسئله داخلی و مسامحه در مقابل عواقب مخرب جنگ عمل نمود (صفارهرندی، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۵) حتی در نگاهی دیگر بنی‌صدر در این دوره متهم به همراهی با رژیم بعث در مسیر حمله نظامی به ایران است (غضنفری، ۱۳۹۲، ص. ۲۹). بنابراین چه گفته شد، ماهیت امر سیاسی در سطح سیاست خارجی و روابط بین‌الملل در دوره بنی‌صدر نمایه‌ای از تلاش برای نفی آنتاگونیسم خارجی است که بدون داشتن اثرات مثبت در سیاست خارجی، آنتاگونیسم در سطح داخلی را نیز به همراه داشت.

دوره‌ها	شدت	فراگیری	تداوم	مجموع امتیاز
دوره آغاز جنگ تحمیلی	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۳۳	۱
تداوم بحران گروگان‌گیری و واقعه طبس	۰/۲۲	۰/۲۲	۰/۱۱	۰/۵۵
خروج بنی‌صدر و رجوی و پذیرش آنان از طرف فرانسه	۰/۱۱	۰/۲۲	۰/۱۱	۰/۴۴

نمودار نمایش ماهیت امر سیاسی در حوزه‌های سیاست خارجی در دوره بنی‌صدر



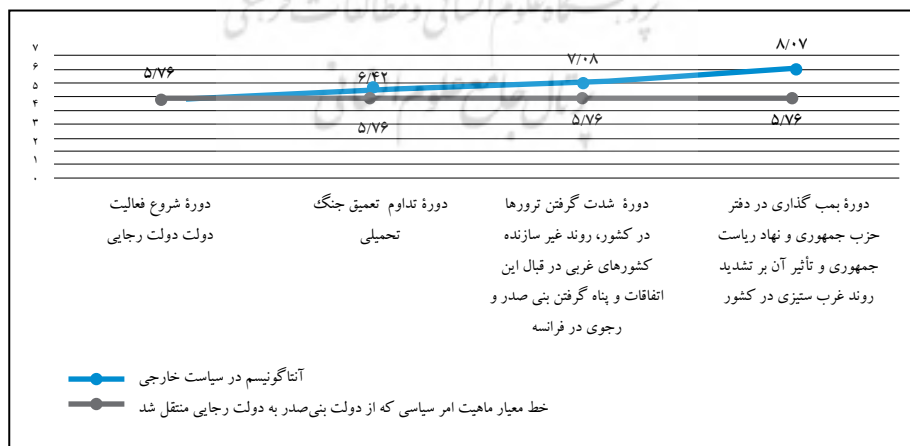
۵. امر سیاسی در سیاست خارجی دولت رجایی

نگرش محمدعلی رجایی در حوزه سیاست خارجی که با انتخاب او به عنوان رئیس‌جمهور تجلی یافت، بیانگر پایبندی او به گفتمان انقلاب اسلامی در عرصه روابط بین‌الملل و تلاش برای عمل بر اساس اصول ایدئولوژیک آن بود. در این چهارچوب، شعار «نه شرقی، نه غربی» بار دیگر در صدر اولویت‌های سیاست خارجی کشور قرار گرفت. در همین راستا، رجایی تلاش کرد با افشاگری درباره حمایت‌های ایالات متحده از رژیم پهلوی و تأکید بر جنایت‌های شاه و همچنین جلب توجه افکار عمومی جهانی و نهادهای بین‌المللی به تجاوز نظامی عراق علیه ایران، چهارچوبی کلان برای جهت‌دهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی طراحی کند. هدف او شکل‌دهی به سیاست خارجی‌ای بود که بر پایه استقلال، عدالت‌خواهی و مقاومت در برابر سلطه‌طلبی قدرت‌های جهانی استوار باش به‌طور کلی سیاست خارجی در نگاه رجایی و گروه همکار با او مبتنی بر مرزبندی مشخص با قدرت‌های

بزرگ متخاصم با انقلاب و نزدیکی به کشورهای غیرمتخاصم در سراسر جهان بود (رجایی، ۱۳۸۵، ص. ۱۶۵)؛ از این رو، در این دوره نیز به واسطهٔ سیطرهٔ قدرت‌های بزرگ بر فضای روابط بین‌الملل و حضور در فضای جنگ سرد، به غیر از موارد انگشت‌شماری فضای غالب در سیاست خارجی کشور منطبق بر آنتاگونیسم در سیاست خارجی و نمایه پر رنگی از وجود دیگری و غیریت‌سازی در سیاست خارجی کشور هستیم.

دوره‌ها	شدت	فراگیری	تداوم	مجموع امتیاز
دورهٔ تداوم و تعمیق جنگ تحمیلی	۰/۲۲	۰/۲۲	۰/۲۲	۰/۶۶
دورهٔ شدت گرفتن ترورها در کشور و موضع‌گیری کشورهای غربی در قبال آن با پناه دادن به رجوی	۰/۲۲	۰/۲۲	۰/۲۲	۰/۶۶
دورهٔ بمب‌گذاری در دفتر حزب جمهوری و نهاد ریاست جمهوری و تأثیر آن بر تشدید روند غرب‌ستیزی در کشور	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۳۳	۱

نمودار نمایش ماهیت امر سیاسی در حوزه‌های سیاست خارجی در دورهٔ دولت شهید رجایی



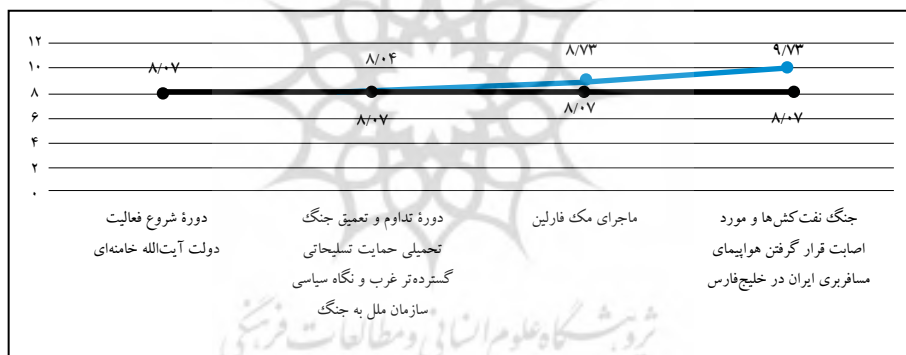
۶. امر سیاسی در سیاست خارجی در دوران آیت‌الله خامنه‌ای

سیاست خارجی جمهوری اسلامی در سال‌های جنگ بی‌گمان بیش از هر عاملی تحت تأثیر فرایندهای میدانی و دیپلماتیک در موضوع جنگ ایران و عراق بود سکوت معنادار نهادهای بین‌المللی نسبت به اشغال مناطقی از خاک ایران، حمایت‌های تسلیحاتی ابرقدرت‌های شرق و غرب و حمایت مالی کشورهای ثروتمند حاشیه خلیج فارس، دولتمردان کشور را به این نتیجه رسانده بود که اولویت اساسی و آنچه منافع حیاتی کشور را شکل می‌دهد ابتدا تغییر آرایش میدان جنگ به نفع ایران و سپس سوق دادن صدام و حامیانش برای پذیرش خواسته‌های ایران در صلح احتمالی است (رضا دوست و پیوسته، ۱۳۹۸، ص. ۹۳). از این رو، ماهیت امر سیاسی در سیاست خارجی کشور به سمت پررنگ‌تر شدن نمادهای غیریت‌سازی با ابرقدرت‌ها و افزایش روزافزون دایره بازیگران سیاست خارجی در منطقه بود، علاوه بر این، تلاش‌های ایران برای شکل دادن و تبدیل هم‌پیمانان اعتقادی خود که در آن روزگار هنوز تشکل یافته به نظر نمی‌رسیدند و اقدامات آنان در کشورهای خود این پیش‌فرض را که انقلاب ایران انقلاب گسترش‌یابنده است را تقویت می‌نمود، بدین واسطه آنتاگونیسم فراگیر، شدید و پایداری در این دوره در سیاست خارجی کشور مشاهده می‌شد، آنتاگونیسمی که حتی با وجود علائم امیدوارکننده‌ای از سوی برخی کشورها و گروه‌های بین‌المللی دائماً پررنگ‌تر نمود می‌یافت؛ زیرا این کشورها و نهادها نیز هیچ‌گاه تصویری قابل‌اعتماد از خود به نمایش نگذاشتند، رفتار متلاطم گروه کشورهای غیر متعهد و کشورهایی چون کره شمالی و چین نمایش‌دهنده این روند در آن دوره است؛ لذا تلاش دولت و کل حاکمیت در این دوره برای ایجاد تفاهم میان کشورهای مستقل و مخالف با سیطره قدرت‌های بزرگ در نظام دوقطبی و فضای جنگ سرد نیز نتوانست به آگونیستی شدن درک ایران از فضای بین‌الملل و بالعکس کمک نماید (Hojati & Dizboni, 2006, p. 154).

دوره‌ها	شدت	فراگیری	تداوم	مجموع امتیاز
دوره تداوم و تعمیق جنگ تحمیلی حمایت تسلیحاتی گسترده‌تر غرب و نگاه سیاسی سازمان ملل به جنگ	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۳۳
ماجرای مک فارلین	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۳۳
جنگ نفت کش‌ها و اصابت موشک به هواپیمای مسافربری ایران در خلیج فارس	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۳۳	۱

امتیاز کلی در ایجاد آنتاگونیسم مؤثر در سیاست خارجی ۱/۶۶

نمودار نمایش ماهیت امر سیاسی در حوزه‌های سیاست خارجی در دوره دولت آیت‌الله خامنه‌ای



۶. امر سیاسی در سیاست خارجی در دوره هاشمی رفسنجانی

۱۵

دولت هاشمی رفسنجانی را در زمینه سیاست خارجی با عناوینی چون «برون‌گرایی تعاملی» و «تنش‌زدایی و اعتمادسازی» تعریف نموده‌اند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲، ص. ۸۴). در این دوره به واسطه الزامات بازسازی کشور پس از جنگ و نبود منابع مالی برای این مهم به واسطه چالش‌های فروش نفت و دریافت نقدینگی ارزی حاصل از آن، دولت با تکیه بر اعتمادسازی و مذاکره تلاش داشت تا علاوه بر بازسازی شخصیت بین‌المللی ایران به عنوان یک کشور همراه با هنجارهای بین‌المللی، امکان دسترسی به منابع مالی بین‌المللی حاصل از فروش نفت

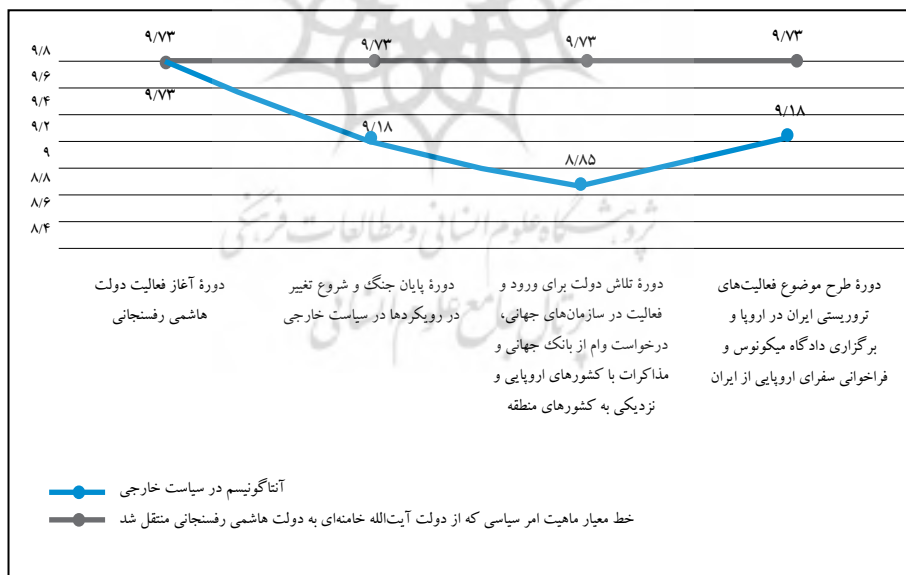
و نیز دریافت وام‌های بین‌المللی را هموار سازد. در این راستا، اولویت‌ها در سیاست خارجی از تقابل و آنتاگونیسم در سیاست خارجی به سمت تعامل و آگونیسم تغییر نمود، از منظر دیگر با سقوط و تجزیه شوروی جوی از اعتماد و سروری فکری پیرامون نظریه‌های لیبرال در اقتصاد، فرهنگ و سیاست شکل گرفته یا در حال شکل‌گیری بود، بر اساس اصول تئوریک در سیاست خارجی این دوره را می‌توان دوره حرکت به سمت نولیبرالیسم در بسیاری از حوزه‌ها از جمله سیاست خارجی کشور برشمرد (حکیمیان و مشاور، ۱۳۸۳، ص. ۱۶۵).

در این دوره، مفهوم صدور انقلاب نیز دستخوش تحول شد؛ به گونه‌ای که از یک طرح برون‌گرایانه ایدئولوژیک به رویکردی درون‌گرا و مبتنی بر الگوسازی از پیشرفت داخلی تبدیل گردید. دولتمردان، بهترین راه برای صدور انقلاب را ساختن یک کشور آباد، موفق و قابل‌الگو تعریف کردند. هم‌زمان باب مذاکرات مستقیم با قدرت‌های اروپایی - که برای مدتی بسته شده بود - بار دیگر گشوده شد. در همین راستا، هاشمی رفسنجانی به منظور بهره‌مندی از امتیازات اقتصادی و سیاسی ناشی از بازگشت به جامعه جهانی به عنوان یک عضو قابل‌مذاکره، درخواست دریافت وام از بانک جهانی را مطرح کرد. او همچنین دولت را ملزم نمود که برای فراهم کردن پیش‌شرط‌های بانک جهانی، اصلاحاتی در ساختارهای کلان اقتصاد کشور اعمال کند؛ اصلاحاتی که زمینه‌ساز آغاز دوره‌ای از تعدیل ساختاری و نوسازی اقتصادی شد (حکیمیان و مشاور، ۱۳۸۳، ص. ۱۸۹).

این روند تا ایجاد تنش‌های سیاسی میان اتحادیه اروپا و دولت هاشمی رفسنجانی در قضیه موسوم دادگاه «میکونوس» ادامه یافت و به شکلی رابطه ایران با کشورهای اروپایی و سایر قدرت‌های بزرگ به سوی تیرگی برد، علاوه بر این، نگاه‌ها و تصمیمات رئیس‌جمهور در سیاست خارجی دارای تمایزات مشخصی با افراد و گروه‌های درون کشور داشت، تفاوت در نگاه رهبری با ایشان در درک ساختار روابط بین‌الملل و سیاست خارجی که به شکلی واگرایانه رشد می‌نمود و عدم رضایت گروه‌های داخلی مخالف نگرش‌های لیبرال و نولیبرال در سیاست خارجی از جمله این تمایزات و مخالفت‌ها بود. مجموعه رویکردها، اقدامات اتفاقات در سیاست خارجی در این دوره از کشور نمایش‌دهنده حرکت اولیه از آنتاگونیسم سیاسی به سمت آگونیسم سیاسی و در نهایت بازگشت به آنتاگونیسم سیاسی است.

دوره‌ها	شدت	فراگیری	تداوم	مجموع امتیاز
دوره پایان جنگ و شروع تغییر در رویکردها در سیاست خارجی	-۰/۲۲	-۰/۲۲	-۰/۱۱	-۰/۵۵
دوره تلاش دولت برای ورود و فعالیت در سازمان‌های جهانی، درخواست وام از بانک جهانی و مذاکرات با کشورهای اروپایی و نزدیکی به کشورهای منطقه	-۰/۱۱	-۰/۱۱	-۰/۱۱	-۰/۳۳
دوره طرح موضوع فعالیت‌های تروریستی ایران در اروپا و برگزاری دادگاه میکونوس و فراخوانی سفرای اروپایی از ایران	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۳۳

نمودار نمایش ماهیت امر سیاسی در حوزه های سیاست خارجی در دوره دولت هاشمی رفسنجانی



۰۷. امر سیاسی در سیاست خارجی دوره ریاست جمهوری خاتمی

روابط خارجی ایران پس از خرداد ۱۳۷۶ و انتخاب سید محمد خاتمی به عنوان رئیس جمهور، چه از منظر ویژگی‌های محیط بین‌المللی و چه از حیث رویکردهای تیم سیاست خارجی دولت، دارای ویژگی‌های متمایزی بود. برخی از این ویژگی‌ها در دولت پیشین نیز، با شدت و ابعاد متفاوت، مشاهده شده بود؛ با این حال، در برخی حوزه‌ها، برای نخستین بار پس از انقلاب اسلامی شاهد رویکردهایی نوین بودیم. این دوران با اتخاذ سیاست‌هایی مبتنی بر تنش‌زدایی و گفتگو همراه بود. دولت خاتمی با ابراز تمایل به برقراری گفتگوهای سازنده با جهان غرب، زمینه را برای بهبود روابط فراهم ساخت. در همین چهارچوب، اتحادیه اروپا که در پی حادثه میکونوس در سال ۱۹۹۲ سفرای خود را از ایران فراخوانده بود، در نوامبر ۱۹۹۷ تصمیم گرفت بار دیگر سفرای خود را به تهران اعزام کند. در ادامه، با پیگیری‌های دیپلماتیک از سوی هر دو طرف، مذاکرات برای امضای موافقت‌نامه همکاری مشترک آغاز شد و گفتگوهای در زمینه حقوق بشر نیز در دستور کار قرار گرفت. این تحولات نشانه‌ای از تلاش دولت خاتمی برای بازسازی چهره بین‌المللی ایران و ارتقای تعاملات دیپلماتیک در سطح جهانی بود (عباسی سرمدی و راهبر، ۱۳۸۸، ص. ۲۷۲)، برآیند این تعاملات برگزاری ۹ دور مذاکره مابین ایران و اروپا با عنوان «مذاکرات فراگیر» از ۳۰ ژوئن ۱۹۹۸ تا برجسته شدن موضوع هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۳ بود، مذاکراتی که هرچند توانست تا فضای خصمانه‌ای که امریکا پس از وقایع ۲۰۰۱ در منطقه پیرامون جمهوری اسلامی به وجود آورده بود را تلطیف کند و از همراهی کامل اروپا و امریکا در این زمینه بکاهد؛ اما دستاورد ملموسی را برای ایران به همراه نداشت، حتی در ادامه این تلاش‌ها، دولت خاتمی طی مذاکراتی که پیرامون مسائل هسته‌ای ایران با وزرای خارجه سه کشور اروپایی در اکتبر ۲۰۰۳ صورت گرفت، تعلیق تمامی فعالیت‌های هسته‌ای خود را پذیرفت و آن را طی بیانیه موسوم به بیانیه سعدآباد اعلام نمود؛ اما به واسطه عدم پذیرش مفاد این بیانیه از سوی امریکا و عقیم ماندن مذاکرات، این تلاش‌ها نیز یک‌بار

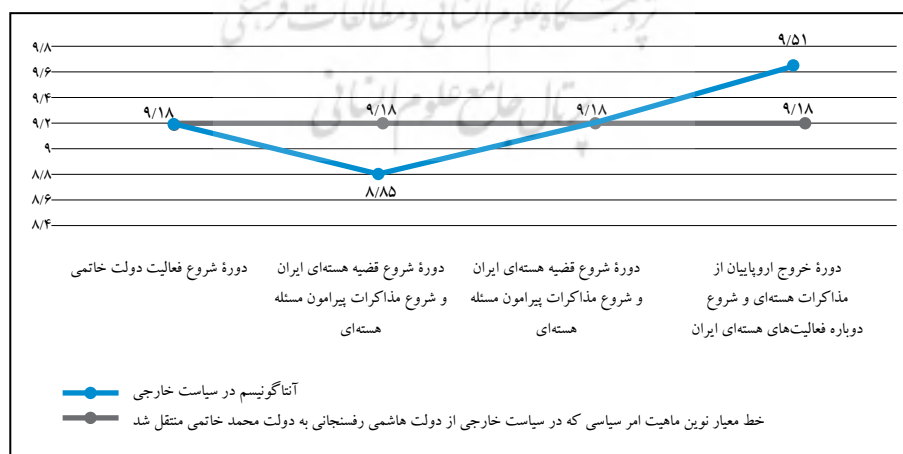
۱. فعالیت‌هایی چون تلاش برای معرفی یک سال در تقویم سازمان ملل به عنوان سال گفتگوی تمدن‌ها در مقابل نظریه جنگ تمدن‌ها هانتینگتون که در سال ۲۰۰۱ صورت پذیرفت نیز از جمله فعالیت‌هایی بود که در دوره خاتمی برای کاستن از فضای آنتاگونیستی پس از ۱۱ سپتامبر صورت پذیرفت.

دیگر بدون دستیابی به دستاوردی ادامه‌دار و قابل اتکا پایان یافت. عمده‌ترین دستاورد چندین دور مذاکره، ارائه یک موافقتنامه تجاری بود که پیشرفت مذاکرات آن تحت تأثیر موضوع هسته‌ای متوقف شد (عباسی اشلقی، ۱۳۸۷، ص. ۲۵۷).

روندها و موضوعات یاد شده نمایشگر تضعیف شدت و فراگیری آنتاگونیسم سیاسی مابین ایران و قدرت‌های جهانی به‌استثنای امریکا بود. بااین‌حال، عدم پایایی این موضوع نتوانست بستری از آگونیسم را در سیاست خارجی ایران با این قدرت‌ها فراهم آورد و کماکان چنانچه امریکا و اتحادیه اروپا ما را غیر گفتمانی خود و دیگری می‌دانستند، آن‌ها نیز برای ما همین نقش را ایفا نمودند (عباسی اشلقی، ۱۳۸۷، ص. ۲۷۴).

دوره‌ها	شدت	فراگیری	تداوم	مجموع امتیاز
دوره شروع مذاکرات موسوم به گفتگوهای فراگیر در سال ۱۹۹۸	-۰/۱۱	-۰/۱۱	-۰/۱۱	-۰/۳۳
دوره شروع قضیه هسته‌ای ایران و شروع مذاکرات پیرامون مسئله هسته‌ای	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۳۳
دوره خروج اروپاییان از مذاکرات هسته‌ای و شروع دوباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۳۳

نمودار نمایش ماهیت امر سیاسی در حوزه‌های سیاست خارجی در دوره دولت خاتمی



۸. ماهیت امر سیاسی در سیاست خارجی دوره احمدی نژاد

در واپسین سال‌های ریاست جمهوری سید محمد خاتمی، با توافق میان ارکان اصلی تصمیم گیر نظام و در پی تأکید مقام رهبری، روندی تدریجی برای کاهش یا حذف محدودیت‌های اعمال شده بر برنامه هسته‌ای ایران آغاز شد. این تغییر رویکرد، با روی کار آمدن محمود احمدی نژاد و قرار گرفتن او در مسند ریاست جمهوری، با شتاب و عمق بیشتری ادامه یافت و به یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی و داخلی جمهوری اسلامی ایران در آن دوره تبدیل شد (جمالی، ۱۳۹۵، ص. ۱۶۴).

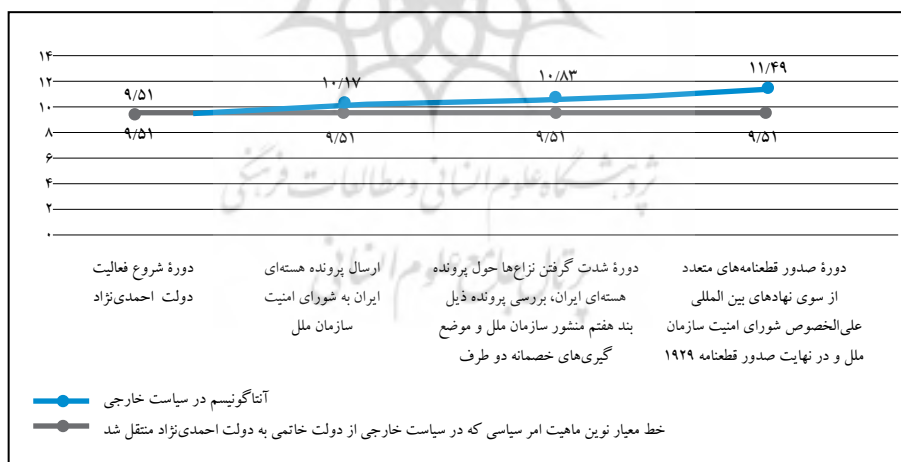
با گسترش دامنه خروج ایران از سازوکارهای نظارتی مورد حمایت ایالات متحده و هم پیمانانش - که عمدتاً از طریق نهادهای بین المللی چون مجمع حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی، شورای حقوق بشر سازمان ملل و دیگر نهادهای وابسته دنبال می شد - موجی از فشارهای بین المللی گسترده به سوی ایران روانه شد. این فشارها را می توان در سه محور اصلی دسته بندی کرد: ۱. فشارهای مرتبط با وضعیت حقوق بشر در ایران که عمدتاً در شورای حقوق بشر سازمان ملل مطرح شده و بر نقض آزادی های مدنی و سیاسی تمرکز داشته اند؛ ۲. فشارهایی ناظر بر نقش منطقه ای ایران و متهم سازی به ناامن سازی خاورمیانه که در مجمع عمومی و در مواردی نیز در شورای امنیت سازمان ملل متحد مورد بحث قرار گرفته اند؛ ۳. فشارهایی پیرامون فعالیت های هسته ای جمهوری اسلامی ایران که با ادعای تلاش برای دستیابی به سلاح های کشتار جمعی، به تصویب شش قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل (از قطعنامه ۱۶۹۶ تا ۱۹۲۹ ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل) انجامید. این قطعنامه ها سه حوزه حیاتی اقتصاد، سیاست و امور نظامی ایران را هدف تحریم های گسترده قرار دادند. مواضع دولت و شخص محمود احمدی نژاد در اجلاس ها و مصاحبه ها با رسانه های بین المللی جریان اصلی که در آن ها مطالبی خلاف هنجارهای رایج دیپلماسی و نامطلوب برای دولت های غربی مطرح می شد، به شکل گیری آنتاگونیسمی شدید، فراگیر و پایدار در روابط ایران و غرب انجامید؛ سطحی از تنش و تقابل که در کمتر دوره ای از تاریخ پس از انقلاب دیده شده است. در سال های پایانی دولت دهم، مشاوران و اطرافیان رئیس جمهور تلاش کردند با تلطیف فضای دیپلماسی عمومی، بخشی از فشارهای خارجی

را کاهش دهند.^۱ با این حال، تصویری از غیرقابل پیش‌بینی بودن رفتار دیپلماتیک ایران که شخص احمدی‌نژاد در محیط‌های بین‌المللی ایجاد کرده بود، عملاً اثر این تلاش‌ها را خنثی نمود (ذوالفقاری، ۱۳۹۹، ص. ۱۶۸).

دوره‌ها	شدت	فراگیری	تداوم	مجموع امتیاز
ارسال پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل	۰/۲۲	۰/۲۲	۰/۲۲	۰/۶۶
دوره شدت گرفتن نزاع‌ها حول پرونده هسته‌ای ایران، بررسی پرونده ذیل بند هفتم منشور سازمان ملل و موضع‌گیری‌های خصمانه دو طرف	۰/۲۲	۰/۲۲	۰/۲۲	۰/۶۶
دوره صدور قطعنامه‌های متعدد از سوی نهادهای بین‌المللی علی‌الخصوص شورای امنیت سازمان ملل و در نهایت صدور قطعنامه ۱۹۲۹	۰/۲۲	۰/۲۲	۰/۲۲	۰/۶۶

امتیاز کلی در ایجاد آنتاگونیسم مؤثر در سیاست خارجی ۱/۹۸

نمودار نمایش ماهیت امر سیاسی در حوزه‌های سیاست خارجی در دوره دولت محمود احمدی‌نژاد



۱. سخنرانی اسفندیار رحیم مشایی و اشاره به دوستی ملت‌های ایران، امریکا و اسرائیل و پافشاری بر این موضوعات را می‌توان در این قالب بررسی نمود.

۹. ماهیت امر سیاسی در سیاست خارجی در دوره روحانی

حسن روحانی که در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی و مذاکره کننده ارشد هسته‌ای ایران با سه کشور اروپایی گفتگوهای دامنه‌داری را پیش برده بود و به ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های مذاکرات هسته‌ای در سطح بین‌الملل آشنایی داشت، در آغاز دولت یازدهم، احیای مذاکرات هسته‌ای را که در دوران احمدی‌نژاد و پس از گفتگوهای بی‌نتیجه تیم مذاکره کننده به ریاست سعید جلیلی متوقف شده بود، یکی از اولویت‌های اصلی بازسازی سیاست داخلی و خارجی کشور تلقی کرد (ذوالفقاری، ۱۳۹۹، ص. ۱۸۹). در این راستا، مقدمات شروع مذاکراتی که به مذاکرات ۵+۱ معروف شد را در همان سال اول ریاست جمهوری خود فراهم نمود، پیش از این نیز روحانی با معرفی محمدجواد ظریف به عنوان وزیر امور خارجه خود این پیام را به عناصر داخلی و خارجی ارسال نموده بود که آمادگی راهبردی و فنی برای بازگشت به میز مذاکرات فراهم شده است، البته در مورد کلیت محدودیت در برنامه هسته‌ای برای برداشته شدن تحریم‌ها در کشور اجماع حاصل شده بود و تمامی نهادهای تصمیم‌ساز در سیاست خارجی جمهوری اسلامی به دلایل متفاوت با انجام مذاکراتی در این سطح موافقت خود را اعلام نمودند، هرچند در ادامه اختلاف نظرها و تضادهایی پیرامون نحوه انشای قرارداد، عملیاتی سازی آن و گرفتن تضمین‌های عملی به وجود آمد (محمدیان و رضایی، ۱۳۹۸، ص. ۴۸).

شاید بتوان اولین تحرکات منتهی به شکل‌گیری برجام را در تماس تلفنی حسن روحانی و باراک اوباما در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مهرماه ۱۳۹۲ (سپتامبر ۲۰۱۳)، یعنی تنها سه ماه پس از آغاز به کار رسمی دولت یازدهم (دولت تدبیر و امید)، جستجو کرد. نخستین سند قابل توجه در مسیر مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه (۵+۱) یا (۳+۳) از منظر طرف مقابل)، توافقنامه موقت ژنو بود که در نوامبر ۲۰۱۳ (آذر ۱۳۹۲) به امضا رسید. این توافق، قراردادی شش‌ماهه با قابلیت تمدید بود که هدف آن، کاهش تنش‌ها، ایجاد چهارچوب اجرایی و تشکیل کارگروه‌های فنی برای ادامه مذاکرات نهایی تعریف شده بود. در نهایت، پس از ۲۰ ماه مذاکره فشرده و پیوسته، در تاریخ ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵)، توافق نهایی با عنوان «برنامه جامع اقدام مشترک» (برجام) میان ایران و گروه ۵+۱ به تصویب رسید (فرهادی نسب و دیگران، ۱۴۰۲، ص. ۲۵۲) و در ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶ اجرایی شد.

بدین ترتیب، پس از رأی مشروط مجلس شورای اسلامی به اجرایی شدن برجام در تاریخ ۲۶ مهرماه ۱۳۹۴ که با استناد به نامه مقام معظم رهبری و تأکید ایشان بر رعایت ملاحظات جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت، دولت به تدریج و به صورت پیوسته، اقدامات اجرایی در چهارچوب تعهدات برجامی را آغاز نمود. برخی از مهم‌ترین اقدامات اجرایی ایران عبارت بودند از: تغییر ماهیت راکتور آب‌سنگین اراک، به گونه‌ای که طراحی جدید آن می‌بایست با همکاری کشورهای طرف توافق و بر اساس اقدام متقابل، انجام شود؛ توقف تولید آب‌سنگین به عنوان ماده پایه مورد استفاده در راکتور اراک؛ کاهش سطح غنی‌سازی اورانیوم به سقف ۳.۶۷ درصد و توقف فعالیت‌های عمده سانتریفیوژهای پیشرفته، همراه با عدم ارتقای این تجهیزات؛ خروج اورانیوم غنی شده مازاد بر ۳۰۰ کیلوگرم گاز (UF6) از کشور و تحویل آن به روسیه به عنوان دریافت‌کننده، در ازای دریافت اورانیوم طبیعی (معادل قیمت آن در بازار جهانی)؛ تبدیل اورانیوم با غنای ۵ و ۲۰ درصد به سوخت صفحه‌ای برای راکتور تحقیقاتی تهران؛ پذیرش بالاترین سطح نظارت‌های ۲۴ ساعته آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر همه مکان‌های مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای در کشور؛ اجرایی کردن موقت پروتکل الحاقی تا زمان تصویب آن در مجلس شورای اسلامی (محمدیان و رضایی، ۱۳۹۸، ص. ۴۹) در ازای انجام این تعهدات و پس از اعلام رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تاریخ ۲۴ دی‌ماه مبنی بر انجام شدن تعهدات ایران، این نهاد طی قطعنامه ۲۲۳۱ پرونده ابعاد نظامی فعالیت‌های هسته‌ای ایران را مختومه اعلام کرد. از آن پس می‌بایست با ایران همچون یک کشور عادی و با پرونده‌ای عادی برخورد می‌شد. علاوه بر این، کشورهای طرف قرارداد موظف بودند از تاریخ تصویب این قطعنامه و تأیید بازگشت ایران به وضعیت عادی در شورای امنیت سازمان ملل، زیرساخت‌های مالی، تجاری و حمل‌ونقل را برای بهره‌مندی ایران از مزایای حضور در محیط بین‌المللی فراهم سازند.

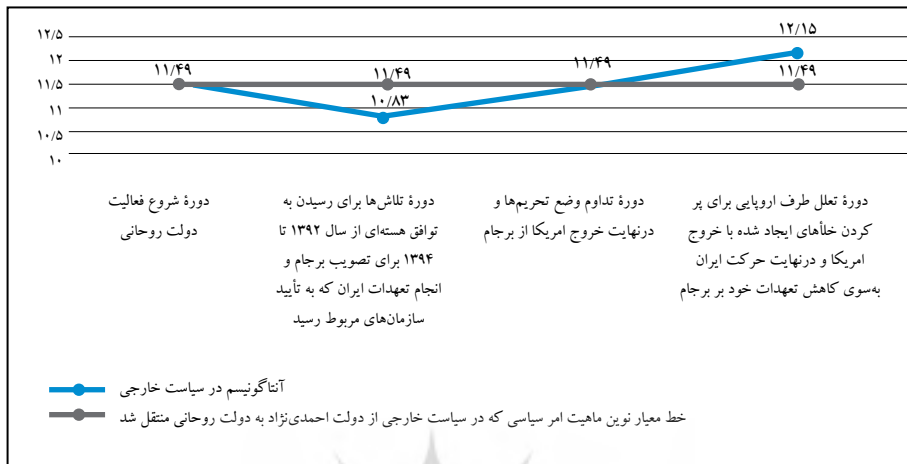
با وجود طی شدن روند یاد شده و عمل ایران به شروط مندرج در برجام، تنها چند هفته پس از آن، دولت آمریکا علاوه بر ارائه برداشت خود از برجام درباره رفع تحریم‌های اقتصادی که همراه با اما و اگرهای فراوان بود، اعلام کرد که تحریم‌های ناشی از مسائل حقوق بشری، سایر موضوعات غیرهسته‌ای و همچنین تحریم‌هایی که از سوی کنگره آمریکا تصویب شده‌اند، خارج از شمول تحریم‌های مندرج در برجام قرار دارند. در اقدام بعدی، آمریکا چند

نهاد و شخصیت ایرانی را به علت آنچه «ناامن سازی منطقه خاورمیانه» می‌نامید، وارد لیست تحریم‌ها نمود. این روند در دوره ریاست جمهوری اوباما آغاز و در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ نیز ادامه یافت. بدین معنا که ایران و پنج کشور طرف قرارداد برجام، به صورت اسمی طرف معامله بودند؛ اما در عمل قرارداد یک طرفه و تنها از سوی ایران اجرا می‌شد؛ و طرف مقابل با کندی و برخوردهای نامنظم، صرفاً به حفظ ظاهری برجام می‌پرداخت (فرهادی نسب و دیگران، ۱۴۰۲، ص. ۲۵۶).

در نهایت در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۷ دونالد ترامپ به طور رسمی اعلام نمود که آمریکا از برجام خارج شده و سازمان تحریم‌های آمریکایی علیه ایران به شکل سابق برگشته است، عکس العمل دولت ایران در قبال این موضوع زنده نگه داشتن برجام با تکیه بر همراهی اتحادیه اروپا بود که پس از مدتی این امید نیز به واسطه عدم استقلال اتحادیه اروپا در تصمیم‌گیری، روند کاهش تعهدات ایران در برجام نیز شروع شد و در پنج مرحله به سطح پیش از برجام رسید به شکلی که در ۱۵ دی ماه ۱۳۹۸ حسن روحانی نیز گام نهایی کاهش تعهدات از سوی ایران را اعلام نمود. مجموعه اتفاقات یاد شده نمایش گر تلاش دولت روحانی برای تبدیل ماهیت آنتاگونیستی روابط ایران با آمریکا و اتحادیه اروپا به ماهیتی آگونیستی است، تلاش‌هایی که هرچند ابتدا موفقیت‌هایی را در پی داشت؛ اما در نهایت تغییری در ماهیت تضاد محور روابط ایجاد نشد.

دوره‌ها	شدت	فراگیری	تداوم	مجموع امتیاز
دوره تلاش‌ها برای رسیدن به توافق هسته‌ای از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴ برای تصویب برجام و انجام تعهدات ایران که به تأیید سازمان‌های مربوط رسید	-۰/۲۲	-۰/۲۲	-۰/۲۲	-۰/۶۶
دوره تداوم وضع تحریم‌ها و در نهایت خروج آمریکا از برجام	۰/۲۲	۰/۲۲	۰/۲۲	۰/۶۶
دوره تعلل طرف اروپایی برای پر کردن خلأهای ایجاد شده با خروج آمریکا و در نهایت حرکت ایران به سوی کاهش تعهدات خود بر برجام	۰/۲۲	۰/۲۲	۰/۲۲	۰/۶۶

نمودار نمایش ماهیت امر سیاسی در حوزه‌های سیاست خارجی در دوره دولت روحانی



نتیجه‌گیری

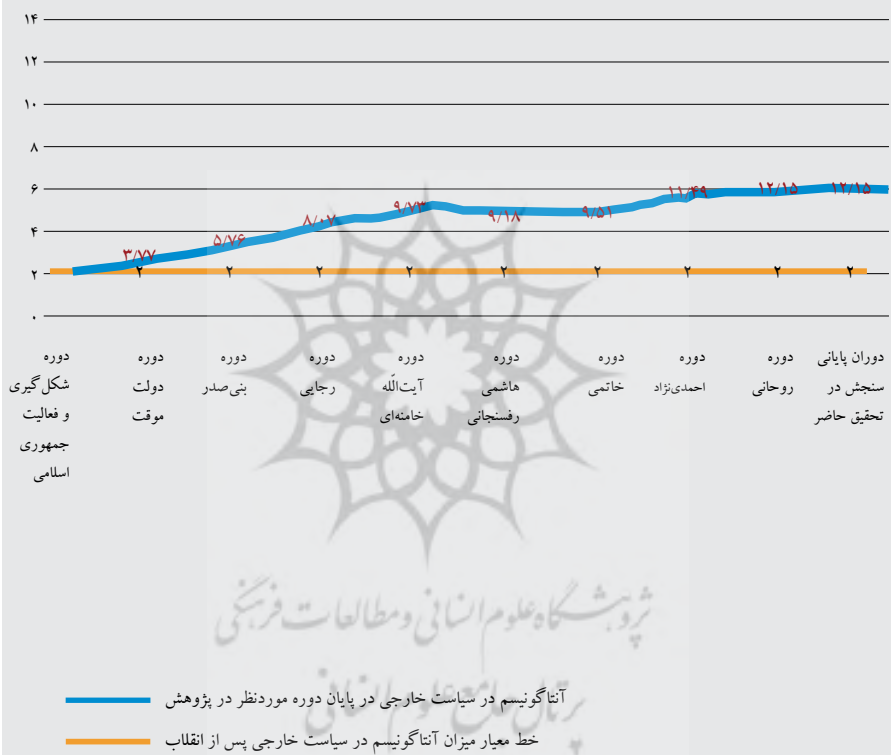
انقلاب اسلامی همانند سایر انقلاب‌ها مبتنی بر روابطی از طرد و پذیرش بوده است؛ در ابتدای انقلاب گمان می‌رفت که ما به‌طور روشنی می‌دانیم در مقابل چه کسانی و در کنار چه کسانی ایستاده‌ایم؛ بنابراین «دیگری» و «خود» در این دوره لااقل از حیث نظری برای رهبران انقلاب، فعالان انقلابی و توده مردم مفهومی واضح و مشهود به نظر می‌رسید، سکولاریسم، پادشاهی و وابستگی سیاسی به قدرت‌های بزرگ به مثابه غیر و دیگری غیرقابل‌پذیرش دیده می‌شد و در مقابل دین‌داری سیاسی، جمهوریت و استقلال سیاسی در زمره دال‌های خودی تلقی می‌شدند؛ اما این وضوح و شفافیت خیلی زود به اموری ناشفاف و کدر و تیره مبدل شد. شرط و شروط زیادی وارد شدند؛ و برخی از عاملان و گروه‌های تا دیروز خودی به بیرون از دایره رانده شدند و غیر شدند. به‌طور مثال، دولت موقت که با شاکله اصلی نیروهای ملی- مذهبی شروع به کار کرده بود، پس از تقابل‌های مفهومی^۱ و عینی^۲

۱. مانند موضوع ورود یا عدم ورود قصاص در نظام قضایی کشور که تنش میان امام و نهضت آزادی را به همراه داشت.

۲. مانند اختلاف دیدگاه پیرامون ورود دانشجویان خط امام به سفارت امریکا در تهران که موجبات استعفای دولت موقت را فراهم نمود.

با گروه‌های دیگر فعال در انقلاب به زمره دیگری وارد شدند و چهارچوب‌ها نیز برای جلوگیری از بازگشت این طیف به میدان سیاسی تغییر نمود این موضوعات این مسئله را در مورد سیاست داخلی در پی داشت که پیوسته دایره خودی کوچک‌تر و دایره دیگری گسترده‌تر می‌شد و طبیعتاً تنوع و تکثر در میان اندیشه‌ها و کارگزاران جمهوری اسلامی در سیاست خارجی رو به کاهش می‌رفت. این موضوع در میانه دهه شصت به واسطه پایان جنگ با عراق که مسئله حیاتی و اول کشور بود، وجهه نمادین و تاریخی تقابل‌ها میان انقلاب و نیروهای انقلاب با جریان نمادین و تاریخی دیگری که موجودیت تقابل همیشگی را متصور می‌ساخت، رودررو قرار گرفت؛ اما در واقعیت‌های سیاست داخلی دولت‌ها با الزامات بازسازی کشور و جبران عقب‌ماندگی‌ها از یک سو و تقابل رو به گسترش چالش‌ها با آمریکا به عنوان قدرت هژمون و منبع نهایی دارایی‌های مادی و امکانات مادی روبرو بودند؛ از این رو، برخی از دولت‌ها را میانه‌ای را در پیش گرفتند که در آن تلاش می‌شد تا از لزوم تقابل آنتاگونیستی قدرت هژمون کاسته و امکانات همزیستی آگونیستی فراهم شود. در مقابل، برخی دولت‌ها به خوانش‌های آرمانی انقلاب تمسک جستند و تلاش نمودند تا به مقدر بودن آنتاگونیسم در مقابل جریان قدرت در جهان را یادآوری نموده و این ماهیت از سیاست خارجی از انقلاب اسلامی را معنا دهنده به انقلاب و زنده نگه دارنده انقلاب معرفی نمایند. از این رو، جدا از تغییر واقعیت‌ها در نظام بین‌الملل و حرکت جهان نوین به سمت عبور از هژمونی آمریکا و بروز قدرت‌های نوین، جریان‌هایی که ذاتاً آنتاگونیسم و آگونیسم در سیاست خارجی را شکل ذاتی ماهیت امر سیاسی در انقلاب اسلامی می‌دانست به تأثیرگذاری در سیاست خارجی ما ادامه دادند؛ و سیاست خارجی ما را از حیث ماهیت سیاست خارجی جایگاه تقابل دو اندیشه یاد شده باقی گذاشتند.

نمودار نمایش ماهیت امر سیاسی در حوزه‌های سیاست خارجی در دوره شروع به کار جمهوری اسلامی تا به امروز



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

منابع

- استاوراکاکیس، یانیس (۱۳۹۳). *لاکان و امر سیاسی*. ترجمه محمدعلی جعفری، تهران: انتشارات ققنوس.
- اشمیت، کارل (۱۳۹۲). *مفهوم امر سیاسی*. ترجمه سهیل صفاری، تهران: نگاه معاصر.
- ابتکار، معصومه (۱۳۹۲). *تسخیر*. تهران: اطلاعات.
- جمالی، جواد (۱۳۹۵). *امر سیاسی و ظهور و سقوط گفتمان‌های سیاسی حاکم بر ایران*. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- حکیمیان، حسن و مشاور، زیبا (۱۳۸۳). *اقتصاد سیاسی گذار در خاورمیانه*. ترجمه عباس حاتمی‌زاده، تهران: نشر کویر.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۲). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات سمت.
- ذوالفقاری، ابراهیم (۱۳۹۹). *بررسی تطبیقی عملکرد دولت روحانی و احمدی‌نژاد در مواجهه با تحریم‌ها*. ششمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی، اقتصاد و حسابداری ایران، تهران.
- رجایی، غلامعلی (۱۳۸۵). *سیره شهید رجایی*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رضا دوست، کریم و پیوسته، صادق (۱۳۹۸). *بررسی تحولات اجتماعی ایران سه دهه پس از انقلاب اسلامی*. تهران: اندیشه احسان.
- صالحیان، تاج‌الدین و سیمبر، رضا (۱۳۹۷). *منابع اجتماعی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۸(۲۶)، ۱۶۵-۱۸۶.
- <http://noo.rs/DVA19>
- صفارهرندی، مرتضی (۱۳۹۰). *رازهای دهه شصت (۶۸-۱۳۵۸)*، نیاز شناسی جریان‌های سیاسی معاصر (۲) (نیمه پنهان ۴۲). تهران: نشر کیهان.
- عباسی اشلقی، مجید (۱۳۸۷). *مطالعه نظری سیاست خارجی دوجانبه اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران*. فصلنامه سیاست خارجی، ۸، ۲۳۵-۲۶۷. <http://noo.rs/yCMEp>

- عباسی سرمدی، مهدی و راهبر، مهرنوش (۱۳۸۸). توسعه سیاسی در ایران پس از خرداد ۱۳۷۶. فصلنامه سیاست، ۳۹(۲)، ۲۵۹-۲۸۰. https://jppq.ut.ac.ir/article_20171.html
- غضنفری، کامران (۱۳۹۴). *مداخلات، پرسش‌های اساسی جنگ*. تهران: نشر کیهان.
- غضنفری، کامران (۱۳۹۲). *مداخلات، پرسش‌های اساسی جنگ*. تهران: نشر کیهان.
- فرهادی نسب، جعفر، اسلامی، سعید و سلیمانی پور لک، فاطمه (۱۴۰۲). ایدئولوژی و عمل‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مطالعه موردی دوره حسن روحانی. فصلنامه سیاست جهانی، ۱۲(۱)، ۲۳۵-۲۶۵.
- <https://doi.org/10.22124/wp.2023.24661.3201>
- فرهادپور، مراد (۱۳۹۲). *نام‌های سیاست*. گزیده مقالات، تهران: نشر بیدگل.
- کوبالکوا، وندولکا (۱۳۹۵). *سیاست خارجی در جهان‌برساخته*. ترجمه مهدی میرمحمدی و علیرضا خسروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مجیدی، حسن و شفیعی، امید (۱۳۹۲). مناسبات دولت موقت با نهادها و نیروهای سیاسی اجتماعی. *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، ۳(۶)، ۱۴۳-۱۶۰.
- https://rjir.basu.ac.ir/article_458.html
- محمدی، احسانه و حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۹۷). هویت، قدرت و امنیت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: یک چهارچوب نظری. *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۱۳(۲)، ۳۳-۶۴. [dor:20.1001.1.1735790.1397.13.2.2.6](https://doi.org/10.1735790.1397.13.2.2.6)
- محمدیان، علی و رضایی، علیرضا (۱۳۹۸). تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره حسن روحانی از منظر نظریه پیوستگی جیمز روزنا. *بحران پژوهی جهان اسلام*، ۶(۴)، ۳۴-۵۶. <https://doi.org/10.2783.4999/qjpr.1601.1009.05>
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۴). احیای حوزه تحلیل سیاست خارجی؛ تحلیلی چندمتغیره. *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۱۰(۳)، ۱۳۹-۱۶۹. <https://doi.org/10.1735790.1394.10.3.4.9>
- موف، شانتال (۱۳۹۱). *درباره امر سیاسی*. ترجمه منصور انصاری، تهران: نشر رخداد نو.
- نوروزی، حسین، تقوی‌نژاد، سیدرضا، شهبندی، محمود و سیفی، میترا (۱۳۹۸). *کتابنامه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی*. تهران: انتشارات وزارت خارجه.

- هادیان ناصر (۱۳۸۲). سازه‌انگاری از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی. فصلنامه سیاست خارجی، ۱۷(۴)، ۹۱۵-۹۴۹. <http://noo.rs/rHlBo>
- Hojati, A. & Dizboni, A. (2006). *A Systemic Analysis of the Rise and Fall of the Iranian Reform Movement*. Annual Meeting of the Canadian Political Science.

